

مقایسه احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی بین دانش آموزان دختر با و بدون والد وابسته به مواد

نسیم معجز^۱، سمیه تکلوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی بین دانش آموزان دختر با و بدون والد وابسته به مواد انجام شد. روش پژوهش از نوع علی^۱ مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل همه دانش آموزان مشغول به تحصیل مقطع اول متوسطه شهرستان نیر در سال ۹۷-۹۶ بود. نمونه‌ای به حجم ۶۰ نفر (۳۰ دانش - آموز با والد وابسته به مواد و ۳۰ دانش آموز با والد بدون وابستگی به مواد) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسش‌نامه رشد اخلاقی لطف آبادی (۲۰۰۷) و مقیاس آمادگی شرم و گناه کوهن، ولف، پتر و اینسکو (۲۰۱۱) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دانش آموزان دختر با و بدون والد وابسته به مواد در احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین صورت که دانش آموزان دارای والد وابسته به مواد در پرسش‌نامه احساس شرم و گناه نمرات بالاتر و در رشد اخلاقی نمرات کمتری داشتند. در مجموع نتایج حاکی از آن بود که دانش آموزان دارای والد وابسته به مواد احساس شرم و گناه بیشتر و رشد اخلاقی کمتری را نسبت به دانش آموزان بدون والد وابسته به مواد تجربه می‌کنند.

کلید واژه‌ها: احساس گناه، احساس شرم، رشد اخلاقی، والد وابسته به مواد.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. پست الکترونیک:

staklavi@gmail.com

مقدمه

نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تأثیرگذار بر روابط، رفتارها و خصوصیات ذاتی و اکتسابی اعضای خانواده واضح و غیرقابل تردید است. خانواده سالم بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی و بالندگی اعضای خود فراهم می‌کند و در حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آن‌ها تأثیر فراوان و غیرقابل انکاری دارد. در مقابل، خانواده ناسالم زمینه را برای ایجاد اختلاف در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی فراهم می‌کند و افراد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. وجود اعتیاد در خانواده نیز بر فرزندان تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های خانواده‌های دارای اعتیاد عبارتند از: اختلافات خانوادگی، طلاق، از بین رفتن احترام و ارزش‌های خانوادگی، سختگیری‌ها و تنبیه بدنی، ملامت‌ها و سرزنش‌های زیاد و مداوم، منحرف بودن پدر و مادر از اصول اخلاقی، انحراف خواهران یا برادران، بی‌سوادی و نادانی والدین، فقدان احساس مسئولیت پدر و مادر، تربیت غلط کودک و کمبود محبت در دوران کودکی (امیری، ۱۳۸۹). در نوجوانی تغییرات فیزیکی موجب می‌شوند که دختران از نظر روانی آسیب‌پذیرتر شوند، زیرا در آستانه یک تغییر جدی یعنی گذار از مرحله کودکی به بزرگسالی قرار می‌گیرند. میل به گوشه‌گیری، حساسیت نسبت به انتقاد دیگران، نوسان در خلق و خو، بی‌قراری، بی‌ثباتی، کاهش اعتماد به نفس و صرف توجه بیش از حد به ظاهر از ویژگی‌های رفتاری دختران در سنین بلوغ است. همین عامل باعث می‌شود که اعتیاد والدین آسیب‌های اجتماعی را در دختران نوجوان ایجاد کند. عدم رشد اخلاقی^۱ نیز در فرزندان موجب بروز مشکلاتی در زمینه انگیزش و پیشرفت تحصیلی، میزان انعطاف‌پذیری و شیوه‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله می‌شود. در نتیجه فرزندان ممکن است دچار رفتارهای انحرافی، نوشیدن الکل و سوء مصرف مواد شوند (کرباسی و کیلیان، ۱۳۹۰). مطالعات پیشگیرانه در سال‌های اخیر، به ویژه در دوره نوجوانی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. برنامه‌های مداخله‌ای پیشگیرانه مبتنی بر خانواده باید در جهت افزایش پیوند و روابط خانوادگی عمل نمایند. این پیوند می‌تواند از طریق آموزش قدرت مقابله، مداخلات مشارکتی متمرکز بر مدرسه-خانواده، برنامه توانمندسازی خانواده

و برنامه گذار از نوجوانی تدوین شود (پاسبانی اردبیلی، مهدی زاده، قنبری پیر کاشانی، ۱۳۹۷).

پژوهشگران اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود، تجلی می‌یابد (تولایی، ۱۳۸۸). رشد اخلاقی شامل قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در ارتباط با دیگر مردم چگونه باید رفتار کنند. در واقع هدف از قوانین اخلاقی، قضاوت درباره اعمال جامعه‌پسند است (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۹۰). انسان با حس اخلاقی، حسی که خیلی زود تجلی می‌کند، متولد می‌شود. این حس در خانواده ظاهر می‌شود، به وسیله معلمان الگو می‌گیرد و توسط اجتماع تغذیه می‌شود. در حقیقت خانواده، مدرسه و اجتماع قواعد اخلاقی را که بر اساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران قرار دارد، آموزش می‌دهند. آن دسته از والدین که هم از فرزندان حمایت می‌کنند و هم روی آنان کنترل دارند، فرزندان را تربیت می‌کنند که ارزش‌های دینی و اخلاقی مشابه والدین خود خواهند داشت. اما والدینی که فرزندان خود را کاملاً حمایت می‌کنند، ولی کنترلی روی آنان ندارند و نیز والدینی که نه حمایت چندانی از فرزندان خود می‌کنند و نه کنترلی روی آنان دارند، فرزندان تربیت خواهند کرد که باورها و ارزش‌های اخلاقی آنان شباهت چندانی به باورها و ارزش‌های اخلاقی پدر و مادرشان نخواهد داشت. وجود تعارض در خانواده و در بین والدین و فرزندان مانع از انتقال ارزش‌های دینی به فرزندان نوجوان می‌شود (لطف آبادی، ۱۳۸۵). اما، این که کودکان چطور میل درونی برای پیروی از قواعد اخلاقی پیدا می‌کنند و چه انگیزه‌هایی آنان را وادار به پیروی از قواعد می‌کند، در طی مراحل رشد متفاوت است. تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه نوجوانان و جوانان با مقتضیات زندگی و انتظارات والدین و دوستان و اطرافیان و تجارب تازه‌ای که در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود کسب می‌کنند، درگیری آنان را با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر می‌کند و زمینه‌های رشد آنان در این امور را گسترش می‌دهد. نتیجه این وضع آن است که نوجوانان و جوانان با مجموعه وسیعی از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون اجتماعی و

فرهنگی و دینی روبرو می‌شوند و باید جایگاه مطمئنی برای دوام و رشد خود دست و پا کنند. لومبارت، پولن و سوابی (۲۰۱۷) در تحقیق خود نشان دادند که اعتیاد مادران یکی از بزرگترین ضربه‌های رشد اخلاقی و اجتماعی برای کودکان است. رهروان، سلطانی و شباهنگ (۱۳۹۷) با مقایسه تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد به این نتیجه رسیدند که نوجوانان دختر با پدر وابسته به مواد، تعارض والد-فرزند بیشتر و هوش هیجانی کمتری در مقایسه با نوجوانان دختر بدون پدر وابسته به مواد داشتند. نوروزی، چراغیان، نصرتی و عزیزی (۱۳۹۱) در تحقیق خود بیان کردند که ضعف مبانی عقیدتی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی یکی از عوامل زمینه ساز گرایش به اعتیاد است. قسمتی از هیجان اخلاقی، هیجان خودآگاهی است که شامل شرم، گناه و خجالت و غرور است. شرم و گناه هنگامی تجربه می‌شود که فرد احساس کند نتوانسته است یک معیار قانون یا هدف را برآورده سازد. احساسات شرم و گناه از مهم‌ترین هیجانات اخلاقی و اجتماعی به حساب می‌آیند (جوکار و کمالی، ۱۳۹۴).

برخی پژوهشگران معتقدند که شرم نوعی احساس سرزنش خود محسوب می‌شود و با ارزیابی منفی از خود همراه است. برخلاف آن احساس گناه، احساسی است که کمتر خود را تهدید می‌کند چرا که مربوط به رفتارهای مشخص است در حالی که احساس شرم به شکلی همه جانبه خود را درگیر می‌سازد (تانجنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). شرم حاصل نرسیدن به ایده‌آل‌های مثبت نیست بلکه بازشناسی این مسأله است که ما کسی هستیم که نمی‌خواهیم باشیم یعنی نوعی ایده‌آل منفی (تانجنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). عواطف خودآگاه منفی مثل شرم و گناه زمانی برانگیخته می‌شوند که ارزیابی از رفتار و اقدامات در تضاد با ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی فرد است. از آنجا که ارزیابی‌های منفی مضر هستند، افراد از رفتارهایی که باعث برانگیختن این عواطف خودآگاه منفی می‌شود جلوگیری می‌کنند. تفاوت شرم و گناه در این است که گناه مربوط به ارزیابی رفتار فرد است در حالی که شرم مربوط به ارزیابی خود فرد می‌شود و گناه بیشتر در زمینه فردی پدیدار می‌شود (اسپریت،

اسکالویجک، ون وگت و استامز،^۱ (۲۰۱۶). تانجی و دیرینگ (۲۰۰۲) معتقدند که این احساسات است که افکار و رفتار فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برخی از محققان شرم را به عنوان عاطفه دلبستگی یا عاطفه بین فردی در نظر گرفته‌اند. آنان معتقدند که شرم زمانی احساس می‌شود که پیوند ارتباطی مختل و از هم گسیخته شود (مایلز،^۲ ۲۰۰۵). احساس شرم باعث می‌شود که فرد تمایل به فرار، عقب نشینی و مخفی کردن داشته باشد. اگر چه که احساس گناه نیز یک احساس منفی است اما مربوط به علیت داخلی است و فرد در نظر می‌گیرد که وضعیت بیرونی باعث این شرایط شده است. احساس گناه، هیجانی است که بعد از یک خطای اخلاقی در فرد به وجود می‌آید (بامیستر، استیل ول و هرتون،^۳ ۱۹۹۴). کسانی تجربه احساس گناه دارند که با رفتارشان به کسی آسیب زده باشند و رفتار خود را بد ادراک کنند (تانجی و دیرینگ،^۴ ۲۰۰۲). آنچه بعد از احساس گناه در فرد به وجود می‌آید، نوعی گرایش برای جبران و کم کردن خسارت‌های ایجاد شده است (تانجی، دیرینگ،^۵ ۲۰۰۴). احساس گناه، نسبتاً کمتر دردناک است و برخلاف شرم فرد در تلاش برای جبران در آینده بر می‌آید (هیکومبرگ و دیرینگ،^۶ ۲۰۱۳). در واقع، ما احساس گناه یا همان عذاب وجدان را راهی برای کنار گذاشتن یا انجام ندادن بسیاری از تخطی‌های اخلاقی می‌نگریم و نحوه نگرش مردم ما به احساس گناه با دید غرب در این حیطه متفاوت است (عبداللهی، جزینی، امان‌اللهی و اصلانی،^۷ ۱۳۹۶). محیط خانواده‌هایی که با تروما و اتفاقات ناگوار و تنش و آشفتگی زیادی همراه هستند، اثر منفی بر زندگی فرزندان می‌گذارند و باعث ایجاد احساس گناه می‌شوند. در حقیقت شرم و گناه ممکن است مانند سایر عواطف منفی (مثل پرخاشگری، غم، اضطراب) از روابط اولیه به وجود آید (لری،^۸ ۲۰۱۵). ویله‌لا، سیلوا، گرندی، روچا و فیگیلی^۹ (۲۰۱۶) معتقدند که کودکانی که در ارتباط با سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند از مشکلات رفتاری و هیجانی بیشتری رنج می‌برند. از نظر شانون^{۱۰} (۲۰۰۹) استفاده از کودکان و نوجوانان در تهیه و استفاده از مواد

1. Spruit , Schalkwijk , Van Vugt & Stams
2. Mills
3. Baumeister, Stillwell & Heatherton
4. Dearing & Hequembourg

5. Leary
6. Vilela, Silva, Grandi, Rocha & Figlie
7. Shannon

توسط والدین، خود یکی از انواع بدرفتاری هیجانی است و می تواند منجر به شکل گیری عواطف منفی در کودکان شود. کوله مرز، نریمانی، سلطانی و مهرابی (۱۳۹۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که والدین معتاد به علت رشد عاطفی نامناسب در دشواری در توصیف احساسات و دشواری در شناسایی احساسات نمرات بالاتری داشتند. میانگین نمرات افسردگی، اضطراب و خشم در مصرف کنندگان مواد در مقایسه با افراد سالم به طور معناداری بیشتر است (آریا^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). احساس شرم و گناه از الگوهای درونی است که تحت تاثیر جو خانواده فرد قرار می گیرد و اغلب در نتیجه سوء رفتار در دوران کودکی ایجاد می شود (هارپر^۲، ۲۰۱۱). لذا والدینی که خود از لحاظ اخلاقی و هیجانی نابسند هستند، قادر به ایجاد بستر مناسب رشد اخلاقی و هیجانی کودکان خود نیستند. موریس^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افرادی که روابط خانوادگی نایمنی را در کودکی تجربه می کنند، سطوح بالاتر شرم و انواع سازش نایافته گناه را نشان می دهند. لومبارت و همکاران (۲۰۱۷) بین اختلالات رفتاری و متغیرهای محیط خانواده به رابطه معنی داری دست یافتند.

با توجه به آنچه گفته شد، دانش آموزان دارای والدین معتاد از محرومیت های مختلفی رنج می برند. بنابراین به نظر می رسد این دانش آموزان بیشتر در معرض آسیب های رشدی قرار می گیرند؛ انگیزش پیشرفت کمتری دارند و در میان آنان اعتماد به نفس و خودباوری کمتری وجود دارد. سوال اصلی این پژوهش این بود که آیا بین احساس شرم و گناه و رشد اخلاقی در دانش آموزان دختر دارای والد معتاد و والد غیر معتاد تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه گیری

روش پژوهش از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مشغول به تحصیل مقطع اول متوسطه شهرستان نیر در سال ۹۷-۹۶ بودند. تعداد ۳۰ نفر دانش آموز دارای والدین معتاد و ۳۰ نفر دانش آموز دارای والدین غیر معتاد به صورت نمونه گیری در

1 . Arria, Caldeira, Grady, Vincent, Fitzell, Johnson & Wish

2 . Harper
3 Muris

دسترس انتخاب شدند. ملاک ورود عبارت بود از: دانش آموز دارای پرونده مشاوره نزد مشاور مدرسه باشد، رضایت کامل جهت شرکت در پژوهش داشته باشد و یکی از والدین شان جهت ترک اعتیاد تحت نظر مراکز ترک اعتیاد باشد. ملاک خروج عبارت بود از داشتن مشکل خاص جسمی یا روانی بر اساس پرونده و گزارش شخصی. دو گروه دانش آموزان با و بدون والد معتاد از لحاظ سن و وضعیت تحصیلی همتاسازی شدند.

ابزار

۱. پرسشنامه رشد اخلاقی لطف آبادی: این آزمون توسط لطف آبادی (۱۳۸۵) تهیه شده است. سؤالات این آزمون در ۶ مؤلفه اخلاقی و برای هر مؤلفه سه سؤال طراحی شده است. در مجموع از ۱۸ سؤال تشکیل شده است. جهت بررسی روایی از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شده که نتایج بیانگر وجود شش عامل در این مقیاس بوده است، به طوری که این عوامل در مجموع ۵۶/۷۰ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند. این شش مؤلفه اخلاقی عبارتند از: اخلاق زیست محیطی (سؤالات ۱، ۲، ۳)، اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی (سؤالات ۴، ۵ و ۶)، اخلاق در مناسبات خانوادگی (سؤالات ۷، ۸، ۹)، اخلاق اجتماعی (سؤالات ۱۰، ۱۱، ۱۲)، اخلاق انسانی (سؤالات ۱۴، ۱۳، ۱۵) و اخلاق معنوی یا متعالی (سؤالات ۱۶، ۱۷، ۱۸). هر سؤال در مقیاس لیکرت (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۶) نمره گذاری می شود. ضرایب پایایی مؤلفه های رشد اخلاقی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۷۶، ۰/۷۹، ۰/۸۱ محاسبه و گزارش شده است و پایایی کل با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۹ به دست آمده است (کرامتی و عمادیان، ۱۳۹۵).

۲. مقیاس آمادگی شرم و گناه: این مقیاس توسط کوهن، ولف، پنتر و اینسکو^۱ (۲۰۱۱) ساخته شده و دارای ۱۶ گویه برای سنجش دو بُعد شرم و گناه است. در این مقیاس داستان هایی در مورد موقعیت هایی که افراد در زندگی روزمره با آنها مواجه می شوند و واکنش های آنها به این موقعیت ها ارائه و سپس از شرکت کنندگان خواسته می شود که خود را در آن موقعیت تصور کنند و میزان احتمال واکنش خود را در این شرایط روی

مقیاسی پنج درجه‌ای از به ندرت = ۱ تا خیلی زیاد = ۵ مشخص کنند. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۶۹ گزارش شده است (جوکار و کمالی، ۱۳۹۴).

یافته‌ها

میانگین سنی (و انحراف معیار) دانش‌آموزان دارای والد معتاد ۱۴/۶۶ (۰/۶۲) و دانش‌آموزان دارای والد غیر معتاد ۱۴/۵۶ (۰/۷۶) بود. میانگین سنی (و انحراف معیار) والد معتاد ۵۲/۵۳ (۶/۹۲) و والد غیر معتاد ۵۳/۳۳ (۵/۶۸) بود. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی به تفکیک گروه‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی نمرات احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی به تفکیک گروه‌ها

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار
اخلاق زیست-محیطی	دارای والد معتاد	۱۵/۴۳	۲/۰۶
	دارای والد غیر معتاد	۱۵/۸۶	۱/۹۲
اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی	دارای والد معتاد	۱۵/۳۶	۲/۱۴
	دارای والد غیر معتاد	۱۶/۰۳	۱/۵۶
اخلاق در مناسبات خانوادگی	دارای والد معتاد	۱۵/۱۳	۲/۰۲
	دارای والد غیر معتاد	۱۶/۲۰	۱/۶۵
اخلاق اجتماعی	دارای والد معتاد	۱۵/۰۳	۱/۸۸
	دارای والد غیر معتاد	۱۶/۳۱	۱/۸۷
اخلاق انسانی	دارای والد معتاد	۱۵/۲۳	۱/۸۶
	دارای والد غیر معتاد	۱۶/۳۴	۱/۶۷
اخلاق معنوی (یا متعالی)	دارای والد معتاد	۱۴/۸۳	۱/۷۶
	دارای والد غیر معتاد	۱۶/۳۱	۲/۰۸
احساس گناه	دارای والد معتاد	۳۱/۰۰	۵/۲۱
	دارای والد غیر معتاد	۲۶/۸۰	۵/۱۳
احساس شرم	دارای والد معتاد	۲۷/۶۰	۵/۵۹
	دارای والد غیر معتاد	۲۳/۳۳	۵/۰۳

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات احساس شرم و گناه در دو گروه متفاوت و در دانش‌آموزان دارای والد معتاد بیشتر از دانش‌آموزان دارای والد غیر معتاد است. همچنین رشد اخلاقی در دو گروه متفاوت و در دانش‌آموزان دارای والد معتاد

کمتر از دانش‌آموزان دارای والد غیر معتاد است.

به منظور مقایسه احساس گناه و شرم از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. پیش از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری باید مفروضه‌های این آزمون مورد بررسی قرار گیرند. به منظور بررسی پیش فرض‌های تحلیل واریانس چند متغیری از آزمون باکس جهت بررسی یکسانی ماتریس واریانس‌ها-کوواریانس‌ها استفاده شد. نتایج آزمون باکس حکایت از برقراری این پیش فرض داشت ($P > 0/05$, $F = 0/28$, $M = 0/88$ باکس). همچنین از آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس خطای متغیرها استفاده شد. نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای احساس گناه و شرم در بین دو گروه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های احساس شرم و گناه در بین گروه‌ها

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
احساس شرم	۰/۱۵	۱	۵۸	۰/۰۷
احساس گناه	۰/۰۵	۱	۵۸	۰/۰۹

با توجه به جدول ۲ سطح معناداری آماره F در متغیرهای احساس گناه و شرم بزرگتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض همسانی واریانس خطای متغیرها در بین گروه‌ها برقرار است. با توجه به نتایج آزمون ام باکس و لون استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری مجاز است. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری جهت مقایسه احساس گناه و شرم در دانش‌آموزان با و بدون والد معتاد حکایت از معناداری تفاوت در دو گروه داشت ($P < 0/001$, $F = 8/67$ ، $0/76 = \text{لامبدای ویلکز}$). برای بررسی الگوی تفاوت از تحلیل واریانس تک متغیری به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی الگوی تفاوت احساس شرم و گناه در گروه‌ها

منابع تغییرات	متغیرهای وابسته	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معنی داری	مجدوراتا
احساس شرم	۲۷۳/۰۶	۹/۶۳	۰/۰۰۳	۰/۱۴	
احساس گناه	۲۶۴/۶۰	۹/۸۷	۰/۰۰۳	۰/۱۴	

باتوجه به مقادیر به دست آمده آماره F و سطح معنی داری نمایش داده شده در جدول شماره ۳ واضح است که میانگین نمرات احساس شرم و احساس گناه در دو گروه تفاوت معناداری دارد. بدین صورت که میانگین نمرات احساس شرم و گناه در دانش آموزان دارای والد معتاد بیشتر است.

به منظور مقایسه رشد اخلاقی در دانش آموزان دختر با و بدون والد معتاد از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. پیش از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری باید مفروضه‌های این آزمون مورد بررسی قرار گیرند. به منظور بررسی پیش فرض‌های تحلیل واریانس چند متغیری از آزمون باکس، جهت بررسی یکسانی ماتریس واریانس‌ها- کوواریانس‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که این پیش فرض برقرار است ($P > 0.05$ ، $F = 0.70$ ، $M = 22/86$ باکس). همچنین از آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای متغیرها استفاده شد. نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای متغیرها در بین گروه‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های رشد اخلاقی در بین گروه‌ها

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
اخلاق زیست-محیطی	۰/۵۲	۱	۵۸	۰/۴۷
اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی	۳/۲۵	۱	۵۸	۰/۰۷
اخلاق در مناسبات خانوادگی	۰/۷۲	۱	۵۸	۰/۳۹
اخلاق اجتماعی	۰/۲۰	۱	۵۸	۰/۶۵
اخلاق انسانی	۰/۰۱	۱	۵۸	۰/۸۹
اخلاق معنوی (یا متعالی)	۱/۲۰	۱	۵۸	۰/۲۷

با توجه به برقراری پیش فرض‌ها تحلیل واریانس چند متغیری انجام شد. نتایج حکایت از معناداری تفاوت نمرات در دو گروه داشت ($F = 5/34, P < 0/05$)، $F = 0/57 =$ لامبدای ویلکز). برای بررسی الگوی تفاوت‌ها از تحلیل واریانس تک متغیری به شرح زیر استفاده شد.

جدول 5: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی الگوی تفاوت رشد اخلاقی در گروه‌ها

منابع	مجموع درجه		میانگین		سطح معنی داری
	مجزورات	آزادی	مجزورات	F	
اخلاق زیست-محیطی	2/71	1	2/71	0/68	0/41
اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی	6/57	1	6/57	1/85	0/17
اخلاق در مناسبات خانوادگی	16/99	1	16/99	4/93	0/03
اخلاق اجتماعی	20/04	1	20/04	6/81	0/01
اخلاق انسانی	18/21	1	18/21	5/77	0/02
اخلاق معنوی (یا متعالی)	32/16	1	32/16	8/63	0/005

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش مقایسه احساس شرم، گناه و رشد اخلاقی در دانش آموزان با و بدون والد معتاد بود. نتایج تحقیق نشان داد که بین احساس گناه و شرم دانش آموزان با و بدون والد معتاد تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج بدست آمده با تحقیقات لومبارت و همکاران (2017)، ویله لا و همکاران (2016)، لری¹ (2015)، موریس و همکاران (2014)، آریا و همکاران (2011)، هارپر (2011)، تانگنی و دیرینگ (2004)، شانون (2009)، کوله مرز و همکاران (1393) همسو است. ویله لا و همکاران (2016) معتقدند کودکانی که در ارتباط با سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند از مشکلات رفتاری و هیجانی بیشتری رنج می‌برند. تانجنی و دیرینگ (2004) معتقدند که عوامل بیرونی باعث ایجاد احساس گناه می‌شوند. احساس شرم و گناه، معمولاً پس از اینکه کودک توانست خود را در آینه بشناسد، ایجاد می‌شوند یعنی زمانی که "خود" شکل می‌گیرد. بنابراین درک این

عواطف نیازمند وجود خود و یا توانایی ادراک خود به عنوان ابزاری برای ارزیابی است. روان تحلیل گران معتقدند است که احساس شرم از سه سالگی و با بروز آگاهی از هنجارها و باید و نبایدها و توان ارزیابی خود ایجاد می شود. فریاد از مفهوم سازی شناختی احساس گناه که از تعارض بین ایگو و سوپر ایگو بر می خواست سخن گفت. کودک در مقابل هر نوع سرپیچی احساس گناه از خود نشان می دهد. ناتوانی در رسیدن به معیارهای ایگوی ایده آل سبب احساس شرم و حقارت و در نتیجه ترس از دست دادن عشق می شود. شرم هیجان بسیار قدرتمندی است که با احساس حقارت، احساس بی ارزشی و خودانگاره آسیب دیده ارتباط دارد. نوجوانی که احساس شرم می کند دچار عذاب شدید، سردرگمی فکر، گرایش های نیرومند کناره گیری، نشخوار و حمله هیجانی می شود. احساس گناه از چند نظر شبیه شرم است ولی شدت شرم را ندارد. گناه بعد از اینکه فرد رفتار خود (نه خودش) را به صورت شکست ارزیابی می کند، پدیدار می شود. نوجوان هنگام گناه بر رفتارها و عمل خود متمرکز است، نه ارزش خود. نوجوانی که احساس گناه می کند، روی ارزش رفتار و آنچه برای بی اثر کردن پیامدهای آسیب زای رفتار ضرورت دارد، تمرکز می نماید و سعی در بازنگری و تغییر رفتار خود دارد. طور کلی هیجان هایی مثل شرم و گناه زمانی که ما با معیارها و اهدافمان برخورد می کنیم یا آن ها را زیر پا می گذاریم، نمود می یابند و به نوبه خود این معیارها و اهداف ما نیز با اجتماعی شدن توسط والدین، معلمان، همسالان و دیگران در "خود" شکل می گیرند. شرم و گناه هر دو هیجانی هستند که به عمل در روابط بین فردی منجر می شوند. نوجوانی که احساس شرم می کند در روابط بین فردی سعی در مخفی کردن، فرار کردن و راندن دیگران از خود دارد. در حالیکه احساس گناه به عذرخواهی کردن، اعتراف کردن و اعمال اصلاح کننده منجر می شود. هر دوی این رفتارها (کناره گیری و عذرخواهی) اگر به طور مکرر استفاده شود، منجر به شکل گیری روابط بین فردی معیوب می شوند. با توجه به اینکه پژوهش صورت گرفته در شهرستان نیر انجام شده است؛ به دلیل کوچک بودن محیط دانش آموزان، معمولاً همه افراد جامعه نسبت به خانواده های هم شناخت دارند. اگر ایده آل های ذهنی نوجوان جهت داشتن والدین سالم مطابق با واقعیت نباشد، کودک دچار تعارض شده و احساس گناه در

او شکل می‌گیرد. کودکان نسبت به خود نظر منفی و به دیگران نظر مثبت داشته و سعی می‌کنند همه را از خود راضی نگه دارند و ارتباط مداوم برقرار کنند. اضطرابی که در پی این وضعیت ایجاد می‌شود، به وابستگی آن‌ها به دیگران می‌افزاید و در نتیجه در وضعیت‌های بحرانی خودشان را مقصر دانسته و مدام خود را سرزنش می‌کنند. این شرایط منجر به ایجاد احساس شرم و گناه و خودتنبیهی در فرد می‌شود. در حقیقت دختران نوجوان به علت آرمان‌گرایی‌های خاص دوره نوجوانی و حساس بودن به انتقاد همسالان، معتاد بودن پدر را خطای اخلاقی در نظر می‌گیرند. به همین دلیل احساس حقارت و شرم می‌کنند. در نتیجه از یک طرف در روابط بین فردی با همسالان، معلمان و افراد فامیل سعی در کناره‌گیری دارند و از طرف دیگر در صورت بروز کوچک‌ترین خطایی احساس گناه کرده و سعی در جبران اشتباهات خود دارند. رفتارهای توأم با احساس گناه و شرم احتمالاً زمینه شکل‌گیری الگوهای رفتاری مخرب چون افسردگی و اضطراب را در آن‌ها ایجاد میکند. با توجه به اینکه اعضای خانواده در جامعه ما به طور کلی در مسائل هم‌گروه خورده‌اند هر گونه لغزشی در یکی از اعضای خانواده به جایگاه تک تک اعضای خانواده لطمه می‌زند. در نتیجه مورد قضاوت قرار گرفتن در جامعه منجر به خود سرزنشی و شکل‌گیری عواطف منفی در خانواده‌های افراد معتاد مخصوصاً فرزندان آن‌ها می‌شود.

نتایج تحقیق حاضر همچنین نشان داد که بین رشد اخلاقی دانش‌آموزان با و بدون والد معتاد تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده با تحقیقات لومبارت و همکاران (۲۰۱۷) و یله‌لا و همکاران (۲۰۱۶)، شانون (۲۰۰۹)، لطف‌آبادی (۱۳۸۵)، تانجی و دیرینگ (۲۰۰۴) همسو است. لومبارت و همکاران (۲۰۱۷) به رابطه قوی بین اختلالات رفتاری و متغیرهای محیط خانواده دست یافتند. لطف‌آبادی (۱۳۸۵) معتقد است که رفتار معلمان و والدین سهم مهمی در رشد اخلاقی و دینی نوجوانان و جوانان دارند. هیجانان اخلاقی در روابط اجتماعی ریشه دارند و بر ارزشیابی و قضاوت‌های دو سویه از خود و دیگران مبتنی هستند. زیبراس و حلاج‌زاده (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که بین رشد اخلاقی فرزندان پسر دارای والدین معتاد و پدر غیرمعتاد تفاوت معنادار وجود دارد و پدران الگوی مناسبتری برای فرزندان پسر هستند. در مورد دختران در مواقعی که پدر

تواند نقش خود را به درستی ایفا کند، نقش مادر در خانواده پررنگ تر شده و دختران از مادر بیشتر الگوپذیری دارند. کلبه‌گ معتمد بود که ما بر مبنای اخلاقی والدین رفتار می‌کنیم که مبدا تنبیه بشویم. رعایت اخلاق از روی رعایت رسوم و قواعد جمعی و جهت همرنگی با جماعت (گرایش به پسر خوب / دختر خوب بودن) برای اجتناب از پذیرفته نشدن است. از بین زیر مقیاس‌های رشد اخلاقی فقط در زیر مقیاس‌های اخلاق در مناسبات خانوادگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق انسانی و اخلاق معنوی (یا متعالی) بین دانش‌آموزان دختر با و بدون والد معتمد تفاوت معنی‌داری وجود داشت، به طوری‌که میانگین این زیر مقیاس‌ها در دانش‌آموزان دارای والد معتمد کمتر بود. در رشد اخلاقی شخص باید بین کمک به دیگران و حفظ منافع خود، یکی را برگزیند. در اخلاق زیست-محیطی فرد از طبیعت محافظت می‌کند تا برای نسل‌های آینده حفظ شود و منابع طبیعی براحتی از بین نرود. در اخلاق فردی نیز فرد از خود مراقبت می‌کند تا زندگی بهتری داشته باشد. زیرا می‌داند که موجود ارزشمندی است و شایسته بهترین شیوه زیستن است. به نظر می‌رسد که زندگی در خانواده‌ای که والدین معتمد دارد بر عزت نفس و شکل‌گیری تصور منفی فرد از خود و دیگران نقش دارد. لذا احتمالاً این افراد از حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده و حفظ سلامتی خود برای زندگی طولانی‌سرباز می‌زنند و بیشتر به رفتارها و تصمیمات لحظه‌ای با پاداش‌های کوتاه مدت متمایل می‌شوند. شکل‌گیری رفتارها و تصمیمات لحظه‌ای در دوره نوجوانی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی چون سوءمصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر باشد.

به طور کلی نوجوانانی که از نظر رشد اخلاقی ضعیف هستند، والدینی دارند که با دقت تمام به آن‌ها گوش نمی‌دهند، سوالات روشنگرانه نمی‌پرسند و از استدلال‌های سطح پایین استفاده می‌کنند. این والدین اکثراً موعظه می‌کنند، به تهدید متوسل می‌شوند، یا از اظهارات نیشدار استفاده می‌کنند و با فرزندان نوجوان خود روابط پر تنش را تجربه می‌کنند. رفتار اخلاقی علاوه بر شناخت، تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله هیجان‌های همدلی و گناه و همین‌طور تاریخچه طولانی تجربه‌هایی قرار دارد که بر تصمیم‌گیری اخلاقی تاثیر می‌گذارند. احتمالاً والدین درگیر مسئله اعتیاد، فرصت بحث و گفتگو در

زمینه مسائل اخلاقی را با نوجوان خود ندارند. نوجوانی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کند، به علت تجربه هیجان‌هایی چون خشم، شرم و گناه از روابط با همسالان و معلمان کناره‌گیری می‌کند یا روابط صمیمانه‌ای برقرار نمی‌کند. احتمالاً همین روابط نادرست با والدین، همسالان و معلمان منجر به ضعف رشد اخلاقی در نوجوان می‌شود.

در مجموع با توجه به آنچه گفته شد، خانواده تاثیر زیادی در شکل‌گیری اخلاق در نوجوانان دارد. رشد اخلاقی به وسیله والدین تقویت می‌شود زیرا والدین الگویی برای فرزندان خود هستند. فرزندان الگوی رفتاری خود را با والدینشان منطبق می‌کنند. لذا نوجوان دارای والد معتاد در خانواده به گونه‌ای رفتار می‌کند که مورد تنبیه والدین معتاد خود قرار نگیرد. در نتیجه احتمالاً از رسیدن به مراحل بالاتر رشد اخلاقی که ارزش گذاشتن به انسانیت است، باز می‌ماند. از محدودیت‌های این پژوهش عدم شناسایی مادران معتاد بود، لذا فقط پدران معتاد در نمونه تحقیق قرار گرفتند و همچنین به علت محدودیت زمانی و مالی امکان غربالگری دانش‌آموزان به لحاظ مشکلات روحی و جسمی میسر نبود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این موضوع روی نوجوانان دارای والدین معتاد استان‌های دیگر با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی اجرا شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مدارس آموزش‌های رشد اخلاقی برای نوجوانان دارای والد معتاد برگزار شود.

منابع

امیری، صالح (۱۳۸۹). نقش خانواده در گرایش به اعتیاد، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران. پاسبانی اردبیلی، محسن؛ مهدی زاده هنجی، هانیه و قنبری پیر کاشانی، نیکزاد (۱۳۹۷). اعتیاد در خانواده: مروری بر مولفه‌های خانوادگی مرتبط با اعتیاد. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۵(۱۷)، ۳۶-۱۳.

تولایی، روح‌الله (۱۳۸۸). عوامل تاثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان، نشریه توسعه انسانی، ۶ (۲۵)، ۴۳-۴۸.

جوکار، بهرام و کمالی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۵ (۱)، ۲۰-۱.

زبیراس، مارتین و حلاج زاده، هدا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اعتیاد پدر بر رشد اجتماعی فرزندان ۱۲ تا ۱۸ سال در شهرستان دزفول، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳ (۲)، ۴۶-۳۶.

عبداللهی، نیره؛ جزینی، شادی؛ امان الهی، عباس و اصلانی، خالد (۱۳۹۶). بررسی رابطه ی بین بدکار کردی جنسی و عواطف خودآگاه. اندیشه و رفتار، ۱۱ (۴۳)، ۹۳-۴۸.

کرامتی، میسر و عمادیان، سیده علیا (۱۳۹۵). رابطه رشد اخلاقی، اعتیاد به پیامک و افت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۶ (۴)، ۱۱۱-۱۲۶.

کرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا (۱۳۹۰). روان شناسی تربیتی، تهران، نشر میثاق. کرباسی، منیژه و وکیلیان، منوچهر (۱۳۹۰). مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر، ناشر: دانشگاه پیام نور، تهران.

کوله مرز، محمدجواد؛ نریمانی، محمد؛ سلطانی، ساناز و مهرابی، علیرضا (۱۳۹۳). مقایسه نارسایی هیجانی و کنترل عواطف در سوء مصرف کنندگان مواد و افراد سالم. مصرف مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۸ (۲۹)، ۱۰۸-۱۲۱.

لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، دانشگاه شهید بهشتی، نشریه نوآوری های آموزشی، ۵ (۱۷)، ۱۱-۲۴.

رهروان، مرضیه؛ سلطانی شال، رضا و شباهنگ، رضا (۱۳۹۷). مقایسه تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۵ (۲۰)، ۱۱-۲۴.

نوروزی، علی رضا؛ چراغیان، امین؛ نصرتی، کمال و عزیزی، محسن (۱۳۹۱). تاثیر عوامل فردی و اجتماعی، خانوادگی و آموزشی بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان، نشریه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۶ (۳)، ۱۸۷-۱۸۲.

Arria, A., Caldeira, K., Grady, K., Vincent, K.B., Fitzell, D. Johnson, E and Wish, E. D. (2011). Drug exposure opportunities and use patterns among college student: Results of a longitudinal prospective cohort study. *Substance Abuse*, 29 (41), 19-38.

Baumeister, .. F.; A.M. Stillwell & T.F. Heatherton (1994). Guilt: an Interpersonal Approach . *Psychological Bulletin*, 115(8), 243° 267.

- Cohen, T. R., Wolf, S. T., Panter, A. T., & Insko, C. A. (2011). Introducing the GASP scale: A new measure of guilt and shame proneness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100(5), 947-966.
- Leary, M. R. (2015). Emotional responses to interpersonal rejection. *Dialogues in Clinical Neuroscience*, 17(4), 435-441
- Lombard, S., Pullen, D. & Swabey, K. (2017). Conceptualizing Trauma for Children of Drug Addicted Mothers: A Developmental Mapping, *Journal of Trauma & Treatment*, 6(1), 1-4.
- Harper, J. M. (2011). *Regulating and Coping With Shame*. In R. Trnka, K. Balcar, & M. Ku ka, *Reconstructing Emotional Spaces: From Experience to Regulation* (pp. 189-206). Prague: University of Prague Press.
- Hequembourg, A. L., & Dearing, R. L (2013). Exploring shame, guilt, and risky substance use among sexual minority men and women. *Journal of homosexuality*, 60(4), 615-638.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 26-63.
- Muris, P., Meesters, C., Cima, M., Verhagen, M., Brochard, N., Sanders, A., & Meesters, V. (2014). Bound to feel bad about oneself: Relations between attachment and the self-conscious emotions of guilt and shame in children and adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 23(7), 1278-1288
- Shannon, J.B. (2009). *Child abuse: Sourcebook*. New York: Omnigraphics, Inc.
- Spruit, A., Schalkwijk, F., Van Vugt, E., & Stams, G. J. (2016). The relation between self-conscious emotions and delinquency: a meta-analysis. *Aggression and violent behavior*, 28, 12-20.
- Tangney, J. P. & Dearing, R. l. (2004). *Shame & guilt*. The Guilford Press: New York, *American Psychological Association*, 10(1), 251-269.
- Tangney, J. & Dearing, R. L. (2002). *Shame and Guilt*. New York: Guilford Publications.
- Vilela, T. R., Silva, R. S., Grandi, C.G., Rocha, M. M., & Figlie, N. B. (2016). Emotional and Behavioral Problems in Children Living with Addicted Family Members: Prevention Challenges in an under privileged. *Suburban Community*, 26(64), 225-234.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی